

رسانه‌ای یا قصه جهاد تبیینی دست‌پیش را نداریم، چون اگر خوب تبیین می‌شد کارهای ارزشمندی بود برای اینکه نشان داده شود. همه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها استفاده شده است و این گونه مسائل را تحویل دولت جدید دادند که به لحاظ اقتصادی بشود کار انجام داد. تلاش شده بود نشان دهند تیم اقتصادی دولت و برنامه‌های اقتصادی دولت توانایی حل مسائل و مشکلات را ندارند و مردم به نهایت نارضایتی رسیده‌اند و به لحاظ روانی تحت فشار شدیدی بودیم. هر اتفاقی که رخ می‌داد در مورد آن سیاه‌نمایی می‌کردند که وضعیت را سخت‌تر می‌کرد. اما انصافاً ما بعد از بزرگ‌ترین فرصت‌سوزی اقتصادی دهه‌های اخیر در دولت مسئولیت قبول کردیم. به این معنا که کشوری که یک بار نتیجه تحریم‌ها را چشیده و فشارهای سال ۹۱ و ۹۲ را تجربه کرده بود می‌توانست از فراغت و قصه مذاکرات و برجام و کاهش نرخ ارز تورم و... استفاده کند برای اینکه کشور را واکسینه کند. برای اینکه ما برای دومین بار تحت فشار تحریم‌ها قرار نگیریم مجالی بود که آن را از دست داده بودیم.

### پس شما این گزاره را که درآمدهای نفتی دولت آقای رئیسی متکی به رویکرد بایدن است، رد می‌کنید؟

بله، پیش‌تر توضیح دادم اما برای پاسخ دقیق به پرسش شما در بحث درآمدهای نفتی توصیه می‌کنم از آقای مهندس اوجی و همکاران ایشان در وزارت نفت در این باره بپرسید که به طور تخصصی متمرکز هستند. اما به لحاظ تحلیلی هیچ وقت شما زمانی که سر میز مذاکره هستید و می‌خواهید طرف مقابل را به این نتیجه برسانید که ناچارید با یک توافق امضا کنید، معقول نیست اینقدر امتیازاتی بدهید که او احساس کند بدون این توافق نیز می‌تواند کار خود را حل و فصل کند. نکته مهم این است که برای تحلیلگران خارجی و ناظران داخلی این قضیه اثبات شده است که وقتی دولت آقای رئیسی از استراتژی همسایگی به عنوان راهبرد اصلی حوزه سیاست خارجی خود صحبت می‌کند این واقعاً شعار نیست. در عمل برنامه دیپلماسی دولت حول این محور می‌چرخد. همچنین طرف‌های بیرونی نیز این موضوع را کاملاً پذیرفتند و همکاری می‌کنند برای اینکه اگر منابعی دارند با ما تبادلات داشته باشند. برای مثال خزانه‌داری عراق برخلاف اینکه تحت فشار امریکا است اما تا جایی که ممکن است این کمک را می‌کند. روسیه نیز

است و به همین دلیل هم رفتار متفاوتی دارند. از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم بیش از ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش صادرات نفت داشته‌ایم و به لحاظ درآمدی هم چون قیمت نفت در بازارهای جهانی افزایش یافته بود تا دو برابر بیشتر در آمد نفتی داشتیم یعنی به لحاظ ریالی و حجم نیز این مقدار افزایش پیدا کرده است، مخصوصاً بعد از ماجرای اوکراین و... این در حالی است که دولت تلاش کرده هزینه‌های خود را کنترل کند. از منظر درآمدهای مالیاتی هم کشور نسبت به سال گذشته ۱۶۰ درصد و ۱۷۰ درصد افزایش درآمدهای جاری داشته است. یعنی به صورت دقیق‌تر ۸۰۰ درصد افزایش درآمدهای ریالی نفتی و ۱۵۰ درصد افزایش هزینه‌های جاری داشتیم. البته که هزینه‌ها را به نسبت خیلی کنترل کردیم تا درآمدهای ما بیشتر از آن افزایش پیدا کند. یکی از موتورهای تورم در کشور، شکاف بین این دو است؛ وقتی درآمد با سرعت خیلی بالاتر از افزایش و هزینه‌ها با سرعت کمتر - یعنی کسری تراز عملیاتی که بین این دو وجود دارد - کاهش پیدا می‌کند. تورم از مهرماه تا اسفندماه در حال کاهش بوده است که بخشی از آن به مدیریت کسری بودجه و کمیته‌هایی برمی‌گردد که در وزارت اقتصاد تشکیل دادیم. البته سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی هم کمک کردند و در تعامل با این نهادها بود که کارها انجام شد. سال ۹۲ که آقای روحانی سر کار آمد تورم کاهش پیدا کرد، اما یک وجه تمایز خیلی مهم وجود دارد و آن این است که از خردادماه سال ۹۲ که آقای روحانی انتخاب شد و در تیرماه یعنی زمانی که هنوز کابینه تشکیل نشده و دولت آغاز بکار نکرده بود، جامعه انتظار داشت که دولت برای مذاکرات اقدام کند. این بدان معناست که در آن زمان هنوز هیچ اتفاقی رخ نداده بود اما تورم کاهش پیدا کرد چرا که پیش‌قراول بودن انتظارات همیشه اثرگذار است. به همین دلیل هم از همان ابتدا کاهش نرخ ارز و نرخ تورم آغاز شد. در دولت آقای آیت‌الله رئیسی این اتفاق بدون عنصر انتظارات رخ داد که فقط حاصل مدیریت اقتصاد در داخل دولت بود. حتی می‌گفتند روی کار آمدن آقای رئیسی به معنای شدت یافتن شرایط تحریمی و بدتر شدن اقتصاد و... است. این دولت عنصر کمک‌کننده انتظارات را نداشت و به لحاظ روانی ارز و تورم کاهش پیدا نکرد. پس در دولت آقای رئیسی برعکس دولت آقای روحانی هیچ عنصر روانی کمک حال ما نبود. مسأله انتظارات انباشته شده نسبت به فضای اقتصادی بر ذهن مردم مؤثر است و ما نیز در فضای

آقای نوبخت است که درباره موضوعی درخواست می‌کند و آقای واعظی می‌گوید همان طور که شما خواستید، تمام ظرفیت خزانه تخلیه شده است. نتیجه چنین تصمیماتی این بود که رکورد تورمی تمام سال‌های گذشته در تابستان امسال شکسته شد. البته شهریورماه هم جزو این رکورد محسوب می‌شود. درست است که ماه نخست آغاز به کار دولت است اما به واسطه اتفاقاتی که از قبل رخ داده بود باعث شد در مرداد و شهریور، رکوردی ثبت شود که از زمان دولت مرحوم هاشمی دیگر تکرار نشده بود. از دیگر اقداماتی که در وزارت اقتصاد به جد و در فوریت امور قرار گرفت، راه‌اندازی کمیته تأمین بودجه بود. برای این تصمیم رئیس خزانه‌داری و همه معاونان را بسیج کردیم تا به صورت هفتگی و مستمر گزارش بدهند که چه اندازه کسری بودجه وجود دارد و بطور باید آن را وصول کرد تا کمترین هزینه را داشته باشد. این در شرایطی است که یکی از راه‌های خیلی مهمی که متأسفانه مقاومت مدیران دستگاه‌ها اجازه نمی‌دهد از آن درآمد وصول شود، همین اموال مازاد است. سال ۹۹ وضعیت ما به جهت درآمدهای نفتی تقریباً بدترین سال سنوات اخیر محسوب می‌شود. می‌توانم بگویم تقریباً ۱۰ هزار میلیارد تومان کل درآمد واریزی در ۱۱ ماهه اول بود، اما جالب است بدانید که این رقم در دولت آیت‌الله رئیسی به ۹۵ همت رسید که بخشی از آن به دلیل افزایش نرخ ارز بود، اما بخش دیگر به واسطه افزایش حجم صادرات رخ داده است. این دستاورد جزو مواردی است که نمی‌دانم چرا به آن پرداخته نمی‌شود. در حالی که رئیس‌جمهور محترم پیشین ادعا می‌کردند اگر کسی بتواند هزار بشکه نفت بفروشد، من او را وزیر نفت می‌کنم. اینقدر کشور به استیصال رسیده بود که فروش روزی ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار بشکه نفت برای کشور یک آرزو بود. اینها تنها برشی از شرایطی بود که دولت اجرای امور را در دست گرفت.

### برخی موفقیت دولت در افزایش درآمدهای نفتی را نتیجه تساهل و تسامح بایدن می‌دانند. چه نسبتی میان این دو وجود دارد؟

این افزایش کاملاً مبتنی بر تحرک اقتصادی دولت است. تحریم‌ها هیچ کدام از بین نرفته است، اما ما از داخل کشور پیام‌های جدی‌تری برای شرکای راهبردی خود می‌فرستیم و آنها نیز مایل هستند که نشان دهند نگاه‌شان به دولت آقای رئیسی متفاوت از دولت‌های پیشین

سال ۹۹  
وضعیت  
ما به جهت  
درآمدهای  
نفتی تقریباً  
بدترین سال  
سنوات اخیر  
محسوب  
می‌شود.  
می‌توانم  
بگویم تقریباً  
۱۰ هزار میلیارد  
تومان کل  
درآمد واریزی  
در ۱۱ ماهه اول  
بود، اما جالب  
است بدانید  
که این رقم در  
دولت آیت‌الله  
رئیسی به ۹۵  
همت رسید